

گاهنامه سیاسی، مذهبی، اجتماعی و دانشجویی صریح  
به مناسبت اربعین حسینی

# صریح

## نشریه

S A R I R

شماره ۷\_ سال سوم\_ مهر ۱۴۰۰

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان  
پردیس امام محمد باقر علیه السلام

عناوین مهم:

• اربعین

• طالبان

• دمی با شهریار

• واکسیناسیون در ایران

# الاعلی

## بسم الله الرحمن الرحیم



# زنان ایرانی پرچمداران حیا

«امروز، پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان، در دست زنان ایرانی است، امروز زنان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام میکنند و به دنیا صادر میکنند.»



بخشی از سخنرانی مقام معظم رهبری  
در آستانه میلاد حضرت زهرا (سلام الله علیها)  
۹۶/۱۲/۱۷



اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى  
رَسُوْلِكَ الْكَرِيْمِ

## شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان امام محمد باقر (ع)  
مدیر مسئول: محمد ریحانی

سر دبیر: محمد مهدی کوه نشین

هیئت تحریریه: علی ابراهیمی، علیرضا اکرامی فر، محمد الهامی، محمد باقر باوفا، محمد بهاریان، حمید رضا خلیلی، الیاس رسولخانی، محمد ریحانی، کمیل سعیدی، مهدی عوض نیا، محمد مهدی کوه نشین، عباس محمدی، مهدی محسنی، سید سجاد موسوی، سید محمد موسوی، حسن نوروزی، علی یوسفی

مدیر بخش صوتی: الیاس رسولخانی

گروه صوتی: مجید رحمانی، الیاس رسولخانی، محمد ریحانی، سینا سیف الله زاده، محراب شاهدهی، حسین فخرائی، محمد مهدی کوه نشین

تدوینگر: الیاس رسولخانی

سرپرست ویراستاران: محمد مهدی کوه نشین  
گروه ویراستاران: الیاس رسولخانی، محمد ریحانی، محمد مهدی کوه نشین

مدیر هنری، طراح و گرافیک: امین اصغری

شریعه  
SARIR

ساره جوانمردی

دارنده مدال طلای تیراندازی و پرچمدار ایران در مراسم اختتامیه پارالمپیک توکیو ۲۰۲۰





# فهرست موضوعات

- صریر دو ساله شد (سخن مدیر مسئول) ۳/
- سخن سردبیر ۴/
- اربعین ۵/
- قهرمان کربلا ۶/
- شعر بنفش دشمن شاد کن ۷/
- بررسی کابینه دولت سیزدهم ۸/
- افغانستان مظلوم ۹/
- طالبان ۱۰/
- استعمار پیر ۱۱/
- رویش امید ۱۲/
- نابغه دفاع ۱۳/
- مصاحبه با آزاده ۱۴/
- تنها ترین سردار ۱۵/
- دین یا انسانیت ۱۶/
- واکسیناسیون در ایران ۱۷/
- امر ولی ۱۸/
- جهادیان ۱۹/
- دمی با شهریار ۲۰/
- پایانی بر تعلیم و تربیت ملی ۲۱/
- شبیه خوانی ۲۲/
- معرفی کتاب ۲۳/
- بررسی نقل و انتقالات تابستانی فوتبال اروپا ۲۴/
- شعر صاحب زمان (عج) ۲۵/
- دعوت به همکاری و درگاه ارتباطی ۲۶/

سخن مدیر مسئول

## صریر دو ساله شد

سلام عرض میکنم خدمت تمامی مخاطبان صریر،

مفتخرم دوساله شدن صریر را به همه ی عزیزان تبریک بگم. در این دوسال سختی هایی زیادی

رو پشت سر گذاشتیم؛ اما خدا رو شکر همه ی دوستان پای کار بودند و ان شاء الله روند خوب

نشریه را با کمک مجموعه ی خوبمان هم در بخش صوتی و هم در بخش تحریریه ادامه دار باشد،

از همین جهت از یکایک دوستان کمال تشکر را دارم، با ما همراه باشید.



محمد ریحانی







## سخن سردبیر

عرض سلام و احترام خدمت تمامی دانشجو معلمان عزیز، بسیار مفتخریم که با هفتمین شماره از نشریه

دانشجویی صریر، که مصادف با اربعین حسینی است؛ در خدمت شما بزرگواران هستیم.

در ابتدای سخنم، از همه عزیزان و دست اندرکارانی که ما را در به سرانجام رسیدن این شماره، به هر

نحوی یاری کردند؛ کمال تشکر را دارم و از خداوند منان برایشان روزی روز افزون، عزت و سلامتی را

خواستارم.

نشریه صریر، نشریه ای تک بعدی نبوده و نیست؛ بلکه نشریه ایست که به موضوعات مختلفی در زمینه

های مختلف میپردازد. این شماره هم از این قاعده مستثنا نیست. در این شماره سعی کردیم، به

موضوعاتی بپردازیم که هم جذاب بوده و هم از مهم ترین مسائل روز باشند؛ لذا به علاقمندان توصیه

میکنم به هیچ وجه هفتمین شماره صریر رو از دست ندید.

و در آخر از همه عزیزانی که با حمایت ها و همچنین با انتقادات و توصیه های مفید و مؤثرشون به

پیشرفت و ترقی مجموعه نشریه کمک می کنند بسیار متشکرم. ان شا الله که همیشه سلامت و

تندرست باشید.

اللهم عجل لولیک فرج



محمد مهدی کوه نشین

سید محمد موسوی

# ازبغیر

روایت امروز ما، حکایت قافله سالاری است که

مغناطیس وجودش، قرن هاست در پیچ و خم ها

و فراز و نشیب های تاریخ روح و جان عشاق را از

جای جای عالم هستی، سوی کرب و بلا می کشد.

پس با من دقایقی را همراه شو!

در آن غروب عطش آلود عاشورای ۶۱ هجری، آن

هنگام که برق شقاوت خنجر آن ملعون، بر گلو ی

مبارک امام عشق نشست، آن هنگام که حنجره

طفل شیرخوار سیدالشهداء(ع) بانگ «بأی ذنب

قتلت» برآورد و آنگاه که هشتاد و چهار کودک و

زن در ازدحام نیزه و شمشیر از کنار گودالی که

همه هستی شان را در آغوش گرفته بود گذشتند،

جلادان همه چیز را تمام شده انگاشتند!

دشمن به جشن و پایکوبی ایستاد و ضیافت

تمسخر و طعنه و خاکستر و خنده را ترتیب داد. به

خیال خامشان با فرونشستن سر های مطهر شهدا

بر فراز نی، همه سر ها فرو شکسته شد. اما زمزمه

قرآن حسین(ع) بر فراز نی، خروش و نطق علی وار

زینب کبری(س) و خطابه رعد گونه حضرت

سجاد(ع) همه چیز را در هم شکست.



گاهنامه سیاسی، مذهبی، اجتماعی و دانشجویی صریر  
به مناسبت اربعین حسینی

صریر  
نشریه  
SARIR



شهری که به پایکوبی آمده بود، یکپارچه ضجه و ناله

شد و باران کلام زینب(س)، آفتاب را از پس غبار ها

و پرده ها به میهمانی چشم های بسته آورد.

چهل روز گذشت. حقیقت زلال تر از همیشه از افق

بی انتهای خون سر برآورد؛ و خون مطهری که در

غریبانه ترین غروب و در گمنام ترین زمین بر خاک

چکه کرد، همچون چشمه ای جوشان رگ های

خشکیده خاک را به جوشش و رویش فراخواند.

اکنون نیز بعد از گذشت قریب به ۱۴۰۰ سال، نسیم

نام سیدالشهداء(ع) حریر نازک دل های عاشقان را

در قامت ظهور منجی به اهتزاز در آورده و ندای «این

الطالب بدم المقتول بکربلاء»، «این أبناء

الحسین» و «این بقیه الله» را در گوش تاریخ

زمزمه می کند.

کلام پایانی «خطاب به جاماندگان پیاده روی

اربعین»:

تصور ما این است که تنها در مسیر بسوی او

بالندگی هست و بس، اما حقیقت این است که در

دوری و فراق از او و آن حسرت تجربه شده نیز

بالندگی موج می زند. اصلا فقط کافیت که او پا

در میانی کند؛ چه در بهجت حرمش و چه در

حسرت و فراق زیارتش، تمامی رشد است و تکامل.

اللهم عجل لولیک الفر ج



# قهرمان کربلا

جریان کربلا سرشار از قهرمانانی است که مخلصانه برای رضایت معبود خویش از تمام هستیشان گذشته اند؛ کسانی که به دنیا و تعلقات آن پشت کرده و در مقابل ظلم جانانه ایستادند. آری کربلا، مکتب از خودگذشتگی و ایثار است؛ کربلا، مکتب عشق‌بازی برای وصال به معشوق حقیقی است.

اکنون می‌خواهم از قهرمانی قلم بزنم که کوه صبر و استقامت بود؛ زینب (س) را می‌گویم، همان خواهری که بر رگ های بریده شده گردن برادر عزیز تر از جانش بوسه زد؛ همان قهرمانی که شاهد تکه تکه شدن عزیزانش بود، اما در جواب گستاخی ابن زیاد ملعون فرمود: «ما رأیت إلا جمیلاً».

زینب ... این نام که به معنی زینت پدر است؛ پدرش علی (ع) برایش انتخاب کرد؛ مشخصاً صبر و استقامت را نیز از علی (ع) آموخت والا چه کسی جز علی (ع) میتواند بخاطر رضای معبودش خورد شدن استخوان عزیزانش را تحمل کند؟! قهرمان کربلا، هم مادر شهید است و هم خواهر شهید، هم اسیر شقی ترین انسان های روزگار است؛ و هم پرستار و مونس یتیمان، براستی کوه در برابر این مصائب خورد می شود اما چه گویم؛

چه گویم از صبر زینب (س)، اما مهمترین رسالت زینب (س) به سرانجام رساندن قیام امام حسین (ع) و احیای آن بود. آری درست فهمیدید زینب (س) سفیر کربلاست. بقول شاعر: «کربلا در کربلا میماند اگر زینب نبود...»

بعد عاشورا و شهادت مظلومانه سیدالشهدا و یارانش، یزیدیان، اهل بیت پاک آن حضرت را به اسارت بردند. چه کسی باورش می شود، تنها چند سال بعد رحلت پیامبر (ص)، جامعه اسلامی این چنین دچار انحراف شود که حسینی که او اینقدر عزیز می‌داشت را سر ببرند و اهل بیت ایشان را به اسارت برند؟... اشقیا، اسرا را به سمت شام میبردند؛ در این مسیر، زینب (س) از هر فرصتی برای شرح جریان کربلا و ظلم عظیمی که یزیدیان در حق فرزند زهرا (س) روا داشته اند استفاده میکرد.

هنگام ورود اسرا به کوفه حضرت خطبه ای خواندند که موجب شرمساری و پشیمانی کوفیان شد. ایشان در آن خطبه کوفیان را به جهت کوتاهی در یاری امام حسین (ع) مقصر خواندند و به گناه (بسیار) بزرگ آنان اشاره کردند.

اما از مهم ترین اقدامات قهرمان کربلا، خطبه ای است که در مجلس یزید خواندند. یزید در هنگام ورود اسرا به شام، مجلسی را جهت



محمد مهدی کوه نشین

تحقیر و توهین تدارک دید؛ اما زینب (س) خطبه ای خواندند که تأثیری شگرف در حصار گذاشت و موجب گریه و زاری آنان شد و مجلس را به سمت اهل بیت برگرداند. بخشی از خطبه حضرت زینب (س):

«... ای دشمن خدا و پسر دشمنش! به خدا قسم من هم اکنون تو را حقیر و ناچیز می‌شمارم و توبیخ و ملامتت را شایسته می‌دانم؛ اما چه کنم که چشم‌ها گریان است و سینه‌ها سوزان! و این امر پس از شهادت حسین (ع) دیگر سودی ندارد و ما را آرام نخواهد کرد. دارایی خدا را به آنها می‌دهند تا محرمات الهی را هتک کنند. لذا می‌بینید که خون ما از این دستان جاری است و گوشت تنمان زیر دندان های این قوم است و آن بدن های پاکیزه را گرگ های بیابان می‌درند!...»

امروزه در روزگاری هستیم؛ که یزیدیان زمان تمام تلاش خود را برای تضعیف حیا و عفاف میکنند؛ لذا برای در امان ماندن از این هجمه‌ها بایستی زنان و دختران جامعه را به سمت زینبی زیستن سوق بدهیم تا از گزند این هجمه‌ها در امان باشیم. باشد که قدم کوچکی در تعجیل ظهور امام زمان (عج) برداشته باشیم.

## شعر

# بنفش دشمن شاد کن

نه اهل پذیرفتن عاقل‌ها بود  
نه آدم حل کردن مشکل‌ها بود  
در سینه آشفته و دلوپس او  
اندازه کدخدای این ده، جا بود

یک فاجعه بود، ایده پردازی‌تان  
در راه خدا نبود جان بازی‌تان  
با دشمن خود نشستن و حرف زدن  
این بود تمام گفتمان سازی‌تان

من قدر بضاعت تو را فهمیدم  
در حادثه طاقت تو را فهمیدم  
از خنده تو به مشکلات مردم  
معنای سیاست تو را فهمیدم

گفتی که بلد نیستم؛ این و آن را  
حل کردن اوضاع بد ایران را  
تدبیر بنفش، قهوه قاجاری است  
این بار بیا سربکش این فنجان را

در دادن امتیازها استادی  
با طعم بنفش، وعده نان دادی  
یک بار هم ای عزیز، کابوس ببین  
در خواب ببین که گیر من افتادی



علیرضا اکرامی فر





## بررسی کابینه دولت سیزدهم

چهارشنبه، ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۰ آیت الله سید ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور منتخب، اسامی نوزده وزیر پیشنهادی دولت سیزدهم را به مجلس شورای اسلامی معرفی کردند؛ و بعد از اعلام رسمی محمد باقر قالیباف، در روز شنبه، ۲۳ مرداد وزرای پیشنهادی با حضور در کمیسیون ها،

فراکسیون ها و مجامع استانی مجلس به ارائه برنامه های خود پرداختند که نهایتاً در روز چهارشنبه، ۳ شهریور ماه بعد از پنج روز بررسی و بحث، هجده وزیر پیشنهادی از مجلس رای اعتماد گرفتند؛ و تنها باز مانده قطار دولت سیزدهم حسین باغگلی، وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش بود.

بعد از معرفی وزرای پیشنهادی دولت سیزدهم، رسانه های داخلی به بررسی جنبه های مختلف این کابینه پرداختند؛ که در این بین رسانه های اصلاح طلب، بیشتر به حضور پررنگ آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور اسبق، در این کابینه تأکید می کردند؛ تا آن جا که روزنامه آرمان ملی تیتر میزند که: «اگر احمدی نژاد بود، کابینه فرق می کرد؟» و یا خبرگزاری ایلنا می گوید: «کابینه معرفی شده شبیه کابینه سوم احمدی نژاد است.» این در حالی است که از ابتدا پیش بینی می شد دولت سیزدهم، دولتی فرا جناح باشد. در این بین اگر سری به رسانه های اعتدالی بزنید متوجه نکات جالبی می شوید تا آنجا که روزنامه



محمد الهامی



ایران، از دلالت های وزارت امیر عبداللهیان برای سیاست خارجی ایران می گوید و خبر آنلاین کابینه دولت سیزدهم را آچار به دست خطاب می کند.

رسانه های اصول گرا همانطور طور که پیش بینی می شد، هم مانند گذشته به حمایت خود از آیت الله رئیسی ادامه دادند و روزنامه جوان در یادداشتی می گوید: «کابینه سیزدهم، سربازان میدان خدمتند نه ژنرال های مدعی» و در این یادداشت، کسانی که کابینه را درباره ناشناخته بودن اظهار نظر می کنند؛ جماعتی می نامد که همواره خواهان وضع موجود هستند و برای کرسی وزارت دندان تیز کرده اند، این در حالی است که شعار آیت الله رئیسی پیش از انتخابات این بود که می خواهند تا وضع موجود را تغییر دهند و لازمه این تغییر در گام اول، انتخاب وزرایی است که اعتقاد به این تغییر داشته باشند.

در انتها، با توجه به کابینه سیزدهم و اقدامات تحولی که دولت در بازه کوتاه مدت انجام داده است؛ این نوید را می دهد که وزرای این کابینه در حال طراحی مدل مدیریتی خود هستند و به دنبال تغییر وضع موجود هستند؛ که مسلماً در این بازه زمانی تنها چیزی که می تواند مرهمی بر درد مردم باشد، حرکت به سمت تغییر وضع موجود است.



افغانستان مظلوم را می گویم، کشوری با موقعیت ژئوپولیتیک، ژئوکانامیک، ژئواستراتژیک و نیروی انسانی جوان و دارای تنوع قومی و بعضاً مذهبی، که همیشه به دلیل برخی مزیت های خود مورد دست اندازی بیگانگان قرار گرفته است. روزی پیراهن آن توسط استعمار و استثمار روباه پیر دریده شد؛ و روزی مورد طمع و دست اندازی امپریالیسم شرق، و به عنوان میدانی برای رقابت های شرق و غرب جهانخوار قرار گرفت. اما مصیبت های ملت افغانستان به اینجا هم ختم نشد، اندکی بعد از حضور اشغالگرانه شرق، در اثر عدم وحدت اقوام و گروه های مجاهد و کارشکنی ها و فقدان زمان شناسی و شناخت دقیق از صحنه در ذهن رهبران جهادی افغان، افراط گرایان ساخته و پرداخته ISI پاکستان و سرویس اطلاعاتی فرانسه، به سرکردگی آمریکا، به سرعت از فرصت به وجود آمده استفاده کردند و افغانستان را تسخیر کردند. بعد از یک دوره پنج الی شش ساله به دلیل اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک افغانستان برای غرب، مورد دست اندازی آمریکا و ناتو قرار گرفت.

## افغانستان مظلوم

مهدی محسنی

در این بین نگاه قومی و بعضاً مذهبی و حتی زبانی که در تنور دخالت بیگانگان داغ تر می شد، بر آتش بحران و فتنه در افغانستان دمید.

انگار هرچه جنگ و کشتار و بحران و نابودی هست برای افغانستان نوشته شده، و طی این سالها غرب و شرق هرگز زیر بار مسئولیت خود نرفتند.

صدها هزار افغانی در این سالها کشته و زخمی و به کشورهای پیرامونی آواره شدند، روند پیشرفت افغانستان به شدت کند شد و عقب ماندگی های زیادی برای جامعه ی غالباً سنتی افغانستان به ارمغان آورد.

البته، دخالت در افغانستان محدود به شرق و غرب نشد؛

هرگاه نقش بازیگران بین المللی در افغانستان کاهش یافت، به دلیل خلا قدرت ایجاد شده، برخی کشورهای منطقه، درصدد ایفای نقش منفی در پرورنده افغانستان بر آمدند؛ و در واقع افغانستان را ابزاری برای رقابت با کشورهای منطقه ای در نظر گرفتند و دود همه ی این دست اندازی ها به چشم مردم افغانستان رفته و می رود.

صلح و ثبات و جبران عقب ماندگی ها در افغانستان، جز با کوتاه کردن دست بیگانگان در امور داخلی و اتحاد و زندگی مسالمت آمیز اقوام مختلف مردم امکانپذیر نیست.

با توجه به بافت اجتماعی افغانستان، هیچ قومی نمیتواند ادعا کند که جمعیت غالب افغانستان را شکل می دهد، هر گونه سلطه گری مبتنی بر قومیت، زبان و مذهب نتیجه ای جز بحران و فراهم کردن زمینه ی دخالت بیگانگان را در پی نخواهد داشت. همه باید ضمن احترام متقابل دست به دست هم داده؛ و با تشکیل دولتی فراگیر و مستقل، مستقل از بیگانگان باشند، دولتی که برخواسته از اراده ی مردم باشد.

جمهوری اسلامی ایران، با پذیرش مهاجران افغانی طی سالیان اخیر و مشارکت در عمران افغانستان و اتخاذ سیاست درست نسبت به تحولات اخیر، نشان داده به افغانستان نگاه ابزاری ندارد؛ و به معنی واقعی کلمه برخلاف پروپاگاندای رسانه ای به دنبال صلح، ثبات و تامین منافع ملت دوست، برادر و همزبان افغانستان است.



# طالبان

خرس (نماد شوروی)، با دو اقدام اساسی باید در افغانستان به عنوان رقیب آمریکا تضعیف و زمین گیر می شد، با تریاک و زنبورهایی از جنس جهادی های تندور که به بینی این خرس به عنوان نقطه ضعف حمله کنند.

الکساندر دوماراناش، رئیس سابق سرویس اطلاعات فرانسه، در ابتدای ریاست جمهوری ریگان به او پیشنهاد داد تا گروهی جهادی تندرو برای مقابله با شوروی، سازماندهی شود. در این بین نقشی برای ISI پاکستان تعریف شد.

وقتی که این گروه به سرعت خود را از مناطق مرزی پاکستان و افغانستان، در سراسر افغانستان پراکنده و اغلب مناطق این سرزمین را تسخیر کرد، طولی نکشید که کنترل او از دست خالقانش خارج شد؛ و روزی، آمریکایی که اهدافی خاص را در افغانستان دنبال میکرد؛ مجبور به حذف آن ها از حکومت شد.

پیروز جنگ بین آمریکا و طالبان در دو دهه اخیر طالبان بود، گرچه آمریکا و متحدانش از قوای برتری برخوردار بودند؛ اما زمان به نفع آمریکایی که از بدهی بالا به دلیل هزینه ی بالای نیروها و جنگ با طالبان، در افغانستان رنج می برد، نبود.

با خروج آمریکایی ها و انفعال ارتش پوشالی ساخته آمریکا و همچنین فساد دولت، و تنزل جایگاه رهبران مجاهدین سابق که حاصل رفاه طلبی بود، عدم مقاومت مردم را در پی داشت و طالبان به سرعت قریب به کل افغانستان را به راحتی تسخیر کرد.

طالبان، امروز قصد حکومت دارد؛ لذا نمیخواهد اشتباهات و تمام نقاط ضعفی که در دولت گذشته خود انجام داد را تکرار کند، برای همین تغییر در طالبان را باید از این زاویه دید. اما در عین اینکه سیستم مرکزی طالبان یکپارچه است، سلايق گوناگونی هم در آن مشاهده می شود.

حکومت طالبان، بدون سهمیم کردن اقوام گوناگون در قدرت دوام و ثبات نخواهد داشت، در جامعه ی پیچیده امروز هم نمی شود، با چند حکم ساده جامعه را اداره کرد.

باید منتظر ماند که طالبان به قول های خود عمل میکند یا خیر، برخی درباره ورود ایران به جنگ افغانستان میپرسند، باید گفت نقشه ی تجزیه افغانستان با خسته کردن مردم به وسیله ی جنگ های طولانی به طوری که در نهایت قسمت تاجیک نشین به تاجیکستان، ازبک نشین به ازبکستان، شیعه نشین به ایران و پشتون نشین به پاکستان الحاق شود؛ و درگیری بلند مدت ایران با جهان اهل سنت نقشه ی آمریکاست. کوبیدن رسانه های نظام سلطه بر طبل جنگ در افغانستان، ریشه در این مسئله دارد.

## شکست استراتژیک آمریکادر افغانستان:

علاوه بر اشغال افغانستان به دلیل مزیت ژئوپولتیکی و ژئواستراتژیک برای آمریکا که ناظر به رقبای خود یعنی ایران، چین و روسیه در برهه ی سال ۲۰۰۰ صورت گرفت، آمریکا یک پروژه ی استراتژیک دیگری را تحت عنوان ایجاد نظم نوین جهانی، بالاخص برای منطقه ی غرب آسیا که آن را خاورمیانه می نامد، دنبال می کرد. طبق این پروژه، هر کدام از کشورهای این منطقه اگر هم شده با گزینه نظامی باید تسخیر شوند، و دولت هایی که نقش مورد نظر آمریکا در نظم مورد انتظارش را نمی پذیرفتند؛ باید از میان برداشته می شدند. از دید آمریکایی ها، هر کدام از این کشورها باید نقشی که آمریکا، به عنوان کدخدای دهکده جهانی برای آنها در نظر میگیرد را ایفا کنند.

بعد از اشغال نظامی این کشورها، پروژه آمریکایی ها «دولت\_ملت سازی» مبتنی بر ارزشهای آمریکایی بود. بله، درست خواندید، آمریکا میخواست برای کشورهای منطقه و حتی تعدادی از کشورهای حوضه ی آفریقا، با موشک کروز و بمب های B۵۲، توپ، تانک و گلوله ، دموکراسی و جامعه ی مدنی بیاورد!

دموکراسی باموشک! افغانستان، یکی از کشورهایی بود که ذیل این پروژه تعریف می شد. آمریکایی که از قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر، برای حمله به افغانستان، طرح استراتژیکی را آماده کرده بود، دنبال بهانه می گشت؛ و با خودزنی تروریستی و انهدام برج های تجارت جهانی، گام بلندی برای اشغال نظامی افغانستان برداشت . نام عملیات جالب بود، عملیات بلند مدت آزادی که ارزشهای آمریکایی و دموکراسی مدرن در افغانستان را نوید می داد.

افغانستان به سرعت اشغال شد. اما طولی نکشید که آمریکا، باوجود تلاش های بسیار و صرف هزینه های هنگفت و تشکیل دولت تماما آمریکایی متوجه شکست پروژه ی «دولت-ملت سازی» خود در افغانستان شد. در این بین اگر چه آمریکا از موازنه ی قوای برتری نسبت به چریک های طالبان برخوردار بود؛ اما به دلیل هزینه های هنگفت روزانه و پوشالی بودن ارتشی که ساخت، زمان به نفعش نبود.

در واقع آمریکا، هم میدان نظامی را در درازمدت باخت و هم در پروژه ی استراتژیک خود یعنی «دولت\_ملت سازی» در افغانستان و حتی عراق شکست خورد.

در واقع بازنده ی بزرگ شطرنج افغانستان، اشرف غنی نیست بلکه، بزرگترین قدرت مادی و نظامی تاریخ جهان یعنی آمریکا، در پروژه ی «دولت-ملت سازی» و ایجاد نظم مطلوب خود برای افغانستان شکست خورد. قرار بود این نظم به عنوان یک الگو و نتیجه ی مثبت حضور آمریکایی ها، قلب ملت های مسلمان منطقه را مجذوب خود کند. برای همین لیبرالها در ایران در زمان اشغال افغانستان توسط آمریکا ، آینده ی افغانستان را کشوری با ثبات و توسعه یافته می دیدند؛ تا برای رابطه و حضور آمریکایی ها در ایران دستاویزی داشته باشند.

جالب تر اینجاست که بایدن، برای پوشش شکست استراتژیک آمریکا در پرونده افغانستان علاوه بر ماه جولای، چندی بعد دوباره به رسانه ها به دروغ گفت: ما به دنبال ملت سازی در افغانستان نبودیم! درحالی که فوکویاما، سال ۲۰۱۷ در سلیمانیه عراق، به شکست پروژه «دولت-ملت سازی» در عراق و افغانستان مبتنی بر ارزشهای آمریکایی اعتراف کرده بود.

چند هفته پیش هم هنری کیسینجر، استراتژیست ارشد آمریکایی، به این شکست استراتژیک آمریکا در افغانستان، یعنی عدم استقرار دموکراسی مدرن در افغانستان اقرار کرد.

اشغال نظامی افغانستان، تکرار اشتباه انگلیسی ها و شوروی توسط آمریکا بود و آمریکا به هدف استراتژیک خود نرسید، آمریکا شکست خورد اما این شکست به معنی عدم توطئه چینی جدید نیست.



محمد باقر باوفا

استعمار، به معنای تسلط جوامع و کشورهای قدرتمند بر جوامع و سرزمین های دیگر به منظور استثمار و بهره کشی از آن ها بوجود آمد. بنابراین، استعمار از لحاظ سیاسی به معنای حاکمیت گروهی از قدرت های خارجی بر مردم یا بر سرزمین دیگر است.

استعمار در عصر خود پدیده ای چنان فراگیر بود، که تا پایان قرن نوزدهم میلادی تقریباً تمامی کشورهاییه که امروزه در قاره های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به نام کشورهای جهان سوم، موجودیت سیاسی مستقل دارند؛ مستقیم یا غیرمستقیم تحت سلطه ی کشورهای استعمارگر غربی درآمده بودند.

علل استعمار رقابت های سیاسی و نظامی قدرت های بزرگ اروپایی طی قرن شانزدهم و تمایل دولت ها و ملت های قدرتمند به گسترش سرزمین شان و ایجاد امپراطوری های بزرگ به منظور حفظ و تقویت روحیه ی ملی و توانایی های سیاسی و نظامی از مهم ترین علل استعمار بود.

یکی از عوامل اصلی استعمار کشور های مختلف نفوذ می باشد. شبکه نفوذی که در همه کشور های مستعمره از عوامل اصلی به استعمار کشیده شدن آن کشور بود.

هندوستان، ایران دوران قاجار، کشور های آسیای میانه، کشور های آفریقایی و...

شبکه نفوذ همواره از افراد خائنی تشکیل می شوند که به هیچ اصولی پایبند نیستند.

نه میهن برایشان مهم است، نه دین و آخرت. ملاک حق و باطل آن ها ثروت و مادیات است.

نمونه بارز این افراد در زمان حال را در سریال گاندو۲ مشاهده کردیم؛ که

مشاور ارشد رئیس جمهور وقت، آقای حسین فریدون و دوستانشان بودند که با ایجاد اخلال ارزی در سال ۹۷ بسیاری از مشکلات را برای مردم ایجاد کردند؛ و استعمار اقتصادی را برای این مردم به ارمغان آوردند.

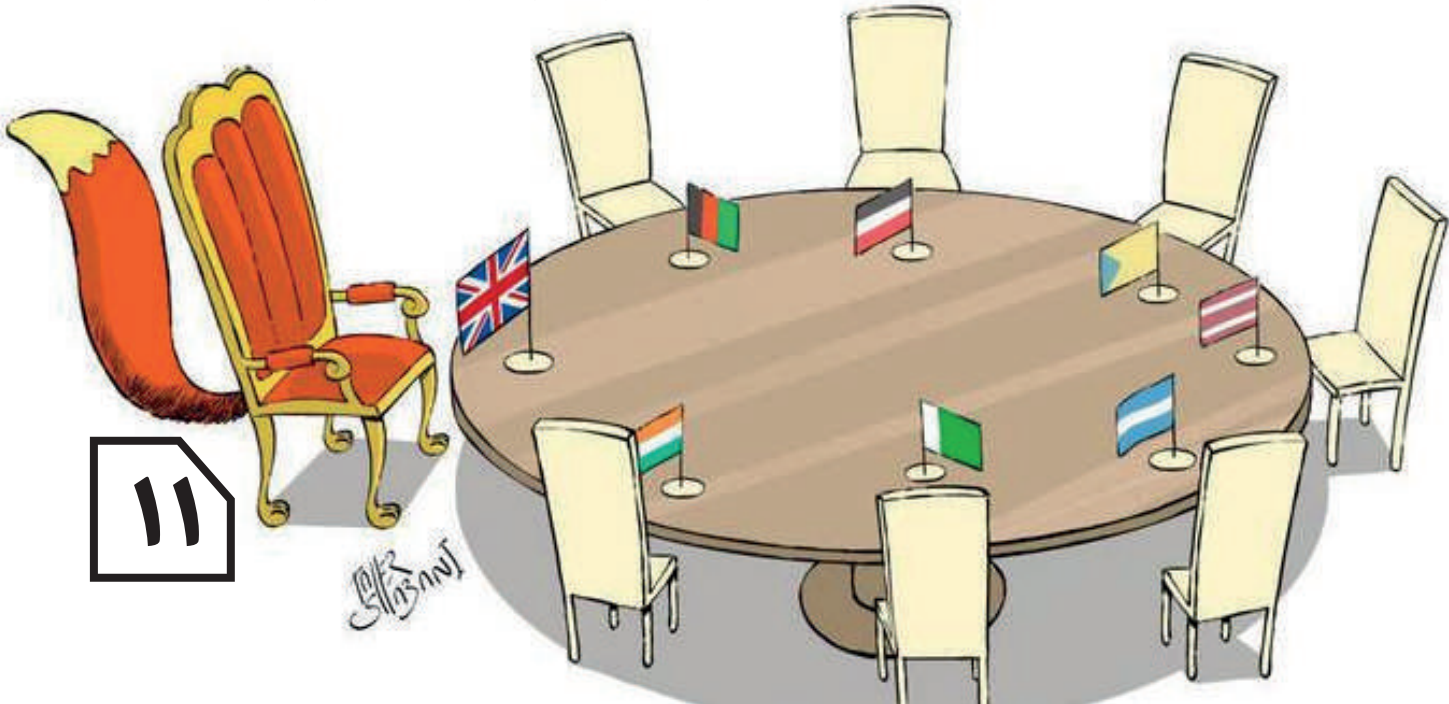
در سال های نه چندان دور در دوران قاجار هم همین اتفاقات برای مردم ایران افتاد، که انگلیس خیبت و روسیه در به استعمار کشیدن کشور در دوران جنگ جهانی و کشتار جمع کثیری از مردم ایران دست داشتند. با انقلاب صنعتی در اروپا، کشورهای اروپایی نظیر انگلستان برای بدست آوردن بازار مصرف خود به سمت کشور های آسیایی هجوم آوردند، هندوستان و ایران بزرگترین بازار مصرفی چندین سال انگلستان بود.

در این سال انگلستان با ورود و نفوذ به دربار و با فشارها و تهدید های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی به شاهان ایران برای خود امتیازاتی گرفتند. و در قبال این فشارها هربار بخش های مختلفی را، از ایران جدا کردند. افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان و... کشور هایی بودند که به واسطه انگلستان در قرار داد های مختلفی نظیر ترکمنچای و... از ایران جدا شدند.

خباثت انگلستان در جداسازی این بخش ها از آنجایی مشهود تر است که در جدا سازی این قسمت ها از ایران مرز هایی را انتخاب می کردند؛ که به آسانی باعث درگیری دو کشور شود، جداسازی پاکستان و هندوستان به وسیله رودی که اختلاف زیادی بر روی آنها است.

یا مکان هایی همچون کوه های صعب العبور و یا جنگل ها و... اما همان گونه که در کشورها خائن وجود دارد؛ در مقابل آن وطن پرستان واقعی هم وجود دارد.

رئیسعلی دلواری ها و میرزا کوچک خان ها، ستارخان ها و باقر خان ها، که در مقابل استعمار ایستادند و اجازه ندادند؛ این کشور بیشتر ضربه بخورد و تحت نفوذ کامل خارجی ها و خائنین داخلی شان قرار بگیرند.







## نابغه دفاع

طولانی ترین جنگ قرن بیستم بعد از جنگ ویتنام ، جنگ ایران و عراق است. این جنگ در آخرین روز شهریورماه ۱۳۵۹ با تجاوز حکومت بعث عراق به رهبری صدام حسین به خاک ایران آغاز شد. جنگی هشت ساله که اگر هشت قرن در مورد رشادت دلیر مردانش بنویسی؛ باز هم وقت تنگ می آید. غلامحسین افشردی، این نامی است که شاید کمتر شنیده باشید؛ کسی که لقب نابغه دفاع را به خود اختصاص داد. غلامحسین، در اسفند ۱۳۳۴ همزمان با میلاد امام حسین (ع) در تهران به دنیا آمد.

بعد از گذراندن دوره ابتدایی و دبیرستان وارد دانشگاه ارومیه شد. پس از سه ترم از دانشگاه اخراج شد و به سربازی رفت و با اوج گیری مبارزات از سربازی فرار کرده و به صف انقلابیون پیوست. با انقلاب اسلامی زندگی غلامحسین هم منقلب شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان خبرنگار در روزنامه جمهوری اسلامی مشغول به کار شد و به الجزایر، لبنان و اردن سفر کرد؛ و تحلیل‌های جامعی از زندگی نابسامان مسلمانان آنجا ارائه داد. در همین حین غلامحسین بعد از اخذ دیپلم ادبی، در کنکور شرکت کرد و در سال ۵۸ با رتبه ۱۰۴ در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران قبول شد.

در آغاز تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضایی به دنبال نیرو برای تشکیل سازمان اطلاعات سپاه بود. غلامحسین و تحلیل‌های او مورد توجه آیت‌الله خامنه‌ای قرار می گیرد؛ و ایشان غلامحسین را به عنوان نیرو به محسن رضایی معرفی می کنند.

محسن رضایی با غلامحسین صحبت می کند، استعداد عجیبی در او می بیند و با همکاری او در اطلاعات سپاه موافقت می کند. رضایی نام "حسن باقری" را برای او برمی گزیند.



حسن باقری. نام وزینی که قرار است در آینده، در گوش جهانیان بپیچد. در اولین روز جنگ ، محسن رضایی او را به مسئولیت اطلاعات جبهه جنوب، منصوب می کند. یعنی حسن در سن ۲۴ سالگی، مسئولیتی سنگین را به دوش می کشد. در زمانی از جنگ که آمار دقیقی از تجهیزات، نفرات و پیشروی‌های دشمن وجود ندارد. بعد از برکناری بنی صدر، شرایط برای کار کردن نیروهای انقلابی بهتر می شود و اولین عملیات بر پایه اطلاعاتی که حسن باقری جمع آوری کرده است؛ انجام می گیرد.

نیروها یکی پس از دیگری عملیات می کنند و مسئولیت حسن روز به روز سنگین تر می شود. از عملیات شکست حصر آبادان که حسن، فرمانده محور دارخوین ماهشهر بود گرفته؛ تا عملیات آزادسازی بستان که حسن آن را طراحی کرده بود و عملیات فتح المبین، که فرماندهی قرارگاه نصر را بر عهده داشت.

پس از عملیات فتح المبین محسن رضایی به حسن دستور می دهد که تمامی کارها را تعطیل و به شناسایی منطقه عملیاتی بیت المقدس (که منجر به آزادی خرمشهر شد) و سخت ترین عملیات در طول عمر ۲۶ ساله حسن بود بپردازد.

شخصی که در سن ۲۴ و ۲۵ سالگی سازمان اطلاعات رزمی را بنا می نهد، طرح تعدادی از مهم ترین عملیات ها را می چیند، فرماندهی قرارگاه نصر را بر عهده دارد و نقش بسزایی در کادر سازی داشت سرانجام، در نهم بهمن ماه سال ۶۱ در سنگر دیده‌بانی، در حالی که مشغول شناسایی عملیات والفجر مقدماتی بود؛ بر اثر اصابت خمپاره به شهادت می‌رسد. چه چیز باعث میشد حسن ۱۸ ساعت در شبانه روز فعالیت کند و خسته نشود؟

چه چیز باعث شد که امام خمینی درباره شهید بنویسد که: "نمی‌توان با اندک اطلاعات روی کاغذ، معرف شخصیت شهید حسن باقری به عنوان یک نخبه، میراث معنوی و سرمایه ملی بود؟

حسن، تمام نبوغ و توان خود را برای تکلیف خود گذاشت تکلیف حسن در زمان خودش دفاع سخت بود؛ اما تکلیف ما در این زمان چیست؟ در زمانی که امام امت، عرصه تعلیم و تربیت را جنگ می داند مگر تکلیف ما معلمین و دانشجو معلمان کمتر از حسن باقری است؟ آیا شایسته است که در زمان جنگ، کمتر از ۱۸ ساعت در روز فعالیت کنیم؟

تقدیم به روح بلند شهید باقری



# رویش امیر

سید محمد موسوی

رسیدن برگ های درخت به خورشید، مدیون فرو رفتن ریشه ها در اعماق و تاریکی خاک است. هر چه ریشه بیشتر در سیاهی فرو برود، برگ های بیشتری فردا به نور خورشید خواهند رسید و استحکام گیاه هم در برابر تندباد ها و توفان ها بیشتر و بیشتر می شود. این مثال ساده، دقیقا در زندگی و حیات آدمیزاد هم حکم فرماست و انسان های بزرگ هم قبل از رسیدن به جایگاه والا و کنونی خود، گذشته ای سرشار از درد و رنج داشته اند. الکساندر دوما، در کتاب کنت مونت کریستو، جمله قابل تأملی در همین مورد دارد: «تنها، کسی که حد اعلا بدبختی را شناخته باشد،

می تواند حد اعلا خوشبختی را نیز درک کند. می بایست انسان خواسته باشد بمیرد، تا بداند زنده بودن چقدر خوب است.» جالب تر اینکه ابن سینا در کتاب «قانون در طب» نیمی از داروی بیماری ها را امید معرفی می کند: «نیمی از درد، توهم است. نیمی از دارو، اطمینان و امید است. صبر و تحمل، آغاز بهبود است.»

با این حال یاس و ناامیدی در هر شخصی تا حد بسیار زیادی مربوط به جهان بینی و نوع نگرش او در نظام آفرینش است. کسی که به ماورای طبیعت و به وجود خالق حکیم و مدبر اعتقاد دارد و نظام خلقت را محدود به دنیا نمی پندارد، در تاریک ترین لحظات زندگی نیز احساس تنهایی نمی کند، زیرا همیشه خدا را در کنار خود می یابد. او باور دارد که برای هر رنج و مشکلی، مرزی وجود دارد که آن را تا بدانجا راه است. پس از آن یا پایان فرا می رسد یا رنج دگرگون می شود؛ و از طرفی یکی از آثار ایمان به خدا، شرح صدر، بلندی افق فکر و ژرف اندیشی است. پیروان راستین مکتب انبیا، در سایه ارتباط با خدا، پر ظرفیت و پر مایه اند. برخلاف انسان های تربیت نایافته ای که قلبشان به نور معرفت الهی و ایمان به پروردگار و روز قیامت روشن نشده و در محدوده عالم ماده گرفتارند؛ به هنگام روی آوردن نعمت ها، حریص، مغرور و فراموش کار می شوند و به هنگام پشت کردن نعمت ها، مأیوس و بی طاقت می شوند، این موارد از ویژگی های کسانی است که فلسفه تلخی ها و شیرین های زندگی را نمی دانند و ظاهر امور را مبنای قضاوت خود قرار می دهند. «قطره چون متصل به دریا شد، تو دگر قطره اش مخوان، دریاست...»

در پایان سخن، اشاره به حکمت ۸۷ نهج البلاغه خالی از لطف نیست؛ حضرت امیر(ع) می فرمایند: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ، وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ.»

در شگفتم از کسی که نومید می شود در حالی که استغفار با اوست!



## مصاحبه با آزاده و جانباز دفاع مقدس



سلام و عرض ادب، خدمت همه ی دانشجو معلمان عزیز، در خدمت قهرمان دوران دفاع مقدس، جناب آقای حسن ریحانی هستیم؛ خودتون رو برای دانشجویان مامعرفی کنید:

\_به نام خدا، من هم سلام عرض می کنم، خدمت همه ی دانشجو معلمان، امیدوارم حالتون خوب باشه. من حسن ریحانی هستم، آزاده و جانباز از روستای درکش و در خانواده ای هفت نفره و متدین بزرگ شدم، که بعد از رسیدن سن خدمت، عازم دفاع مقدس شدم؛ در خدمت شما هستم.

**چه شد که تصمیم گرفتید به سربازی برید، از روی اجبار بود یا علاقه؟**

\_در زمان جنگ بودیم و وظیفه ی هرکس که ناموس و دین برایش اهمیت داشت، رفتن به سربازی بود؛ منم وظیفمو انجام دادم.

**در زمان شما خیلی ها بودند که از سربازی فرار کردند، نظرتون درباره ی اونا چیه؟**

\_اندک آدمایی بودن که به سربازی نرفتند، اما خیلی ها هم بودند، که با عشق و علاقه رفتند؛ بدون لحظه ای فکر کردن، و این آدمآ از ناموس و دین خودشون دفاع کردند.

**چه شد که اسیر شدید و عراقی ها شما را به بند اسارت در آوردند؟**

\_عراقی ها مارو قیچی کردن، گروهان یکم و سوم رو گرفتند و ما که در گروهان دوم بودیم، محاصره شده بودیم، و چون ما دیده بان بودیم، تا ساعت ۵ صبح جنگیدیم؛ اما متأسفانه به یکباره به اسارت عراقی ها در آمدیم، متأسفانه هواپیمای هوابرد شیراز، فکر کرده بود در گروهان ما همه شهید شدند، بنابراین مارو بمباران کرد و مدتی رو زیر بمباران خودی سر کردیم؛ توی همین بمباران،

موج منو گرفت و وقتی بلند شدم سر گیجه داشتم و بدون هیچ اسلحه ای اسیر عراقی ها شدم.

عراقی ها ازما خواستند که به امامان توهین کنیم؛

اما ما با تمام قدرت زیر بار این حرف نرفتیم، آنها ما رو

تهدید به مرگ کردن و گفتند همینجا شما را در کنار نخل



محمد ریحانی

میکشیم، حتی یکی از بچه هارو همانجا شهید کردند، بازهم هیچ کسی زیر بار توهین به امام نرفت و سربلند خارج شدیم.

**رسانه ای هم برای پوشش این که شما توهین کنید به امام آورده بودن؟**

\_نه، فقط برای خوش حالی خودشان اینکارو میخواستند انجام دهیم، رسانه درکار نبود.

همان شب، مارا به شهر مندلی بردند؛ خیلی ما را اذیت کردند و تا جایی که میتوانستند ما را زدند؛ خیلی ها همان شب اسیر شدند؛ و حدود پنجاه نفر از ما را در خانه ای سه در چهار زندانی کردند.

در شهر تکریت، آب و غذا خیلی کم بود و سختی، خیلی زیاد بود، عده ی کمی ماندیم، بعد از ده روز مارا به الرشید بردند و تونل وحشت ایجاد کرده بودند؛ و بی رحمانه اذیت میکردند، حتی با چشم خودم دیدم، یک نفر چشمش از کاسه در آمد.

**از نظر سهمیه ی آب و غذا چطور بود؟**

\_زمستان غذا نمی دادند؛ و تابستان آب نمی دادند.

**مگر شما جز صلیب سرخ نبودید؟**

-خیر ما مفقود الاثر بودیم، و همین دلیلی بود که بیشتر مارا اذیت کنند

**از فداکاری های رزمندگان خاطره ای دارید؟**

\_یکی از بچه ها، بخاطر بچه های دیگه میخواست غذای عراقی ها را بیاورد؛ اما آنها متوجه شدند و تا سر حد مرگ او را زدند، حتی از او پرسیدند کی از تو خواسته بود اینکار را انجام دهی او هیچ چیزی نگفت و خودش همه چیز را به گردن گرفت.

**شهیدش نکردند؟**

**\_تا فلج شدن زندنش**

**از رفتن به دوران جنگ پشیمانید؟**

\_ما هر لحظه آماده ی جنگیم، همین الان هم رهبر دستور دهند، ما آماده ایم.

**وضعیت جوانان چگونه است؟ بنظر شما جوانان امروز هم برای وطن میجنگند؟**

\_جوانان امروز، هیچ فرقی با جوانان قدیم ندارند؛ آنها ناموس پرست هستند و خاک خود را حفظ خواهند کرد. مردم، انقلاب و رهبری را دوست دارند.

**مشکلات اقتصادی قابل حل هست؟**

\_وضعیت سخته باید تحمل کنیم تا به عنایت به خدا و تکیه به جناب رئیسی، به وضع بهتری برسیم.

**وضع نابسامان فعلی قابل اصلاح هست؟**

به این دولت می شود تکیه کرد؛ دولت، دولت انقلابیه و پشت رهبریند، ان شاء الله موفق خواهند شد.

**نصیحت و پندی برای جوانان دارید؟**

-جوانان، راه درست را پیش بگیرند و به حرف بزرگترها گوش داده و احترام آنها را حفظ کنند، خدا همه ی شما را خیر دهد.

# ما را باغزین



محمد ریحانی

## تنها ترین سردار

گاها شرمسار و ناراحت می شوم، که چرا از بعضی امامان شناخت کمی دارم، از امامانی که تک تکشان اسوه ی درستی، پاکی و صداقتند؛ و افسوس که ما فقط نامی از آنها سراغ داریم و به دنبال مرام و منش آنها نگشتیم و این چقد شرم آور است.

از جمله ی این امامان، امام حسن (ع) می باشند، امامی مظلوم، که کم تر اطلاعاتی درباره ی ایشان در ذهن ها وجود دارد؛ و اگر از کودکی شیعه درباره ی ایشان سوال کنید شاید فقط جوابش این باشد، که او برادر امام حسین است.

امام حسن (ع)، فرزند اول امام علی (ع) و حضرت فاطمه(س) می باشند؛ ایشان همچنین اولین نوه ی پیامبر(ص) نیز هستند؛ و نقل است که هفت سال اول زندگی خود را کنار پیامبر(ص) سپری کرده اند.

سال چهلیم هجری، بعد از شهادت امام علی (ع)، مردم ایشان را به عنوان خلیفه ی خود انتخاب کرده و با ایشان بیعت کردند؛ اما معاویه، فرزند ابوسفیان، بیعت را قبول نکرد و به جنگ با امام حسن (ع) پرداخت.

امام حسن (ع) از روی غریبی و مظلومی خود و همچنین بی کسی و برای حفظ جان اندک یاران باقی مانده خود، مجبور به صلح با معاویه شدند؛ و پس از انتخاب یزید، به عنوان جانشین خلافت معاویه، همراه جعده همسر امام ایشان را با زهر مسموم کردند، تا جگر مبارک ایشان پاره پاره شود؛ و چقدر غریبانه ایشان شهید شدند.

و افسوس و شرمندگی آن جایی بیشتر می شود، که در کشور های غربی عناوینی دارند، به عنوان امام شناسی و درس هایی از آنها تدریس می شود؛ اما ما حتی گاهآ فراموش میکنیم که ۱۲، امام داریم.

گاهآ در میان شیعیان به ظاهر متفکر نظراتی شنیده می شود، مبنی بر این که چرا ما باید به دنبال حرف هایی باشیم که چند هزار سال قبل زده شده است؟!

اما این انسان های گرفتار شده در زنجیر غرب، گویا شکست های استراتژیک غریبان برایشان قابل دیدن نیست، شکست هایی که پشت سرهم اتفاق می افتد؛ از آمار خودکشی کشورهای غربی، تا آمار افسردگی های روحی و تجاوز و هزاران جرم و جنایت دیگر...ولی ای کاش، همین انسان ها، معجزه های محرم را ببینند؛ معجزه هایی مثل همانی که امسال اتفاق افتاد؛ و همه ی ما شاهدش بودیم، معتادی که بی هوا و از ته دل سینه زنی کرد و به قول دوستان، امام حسین(ع) او را خرید و الان خبر هایی که از او رسیده است این است که در حال ترک است و منتظر برای برگشت به آغوش جامعه، و این فقط یک نمونه ی بسیار کوچک از تاثیر امامان در زندگی و فرهنگ ماست که در فرهنگ غرب هیچ گاه دیده نشده است.

زندگی سکولار دینی یعنی رسیدن به ته خط، در مردم،

و همش از روی زندگی بی هدف است، که بسیار دردناک و زجر آور می شود.





# دین یا انسانیت؟!

سید سجاد موسوی

انسان، باید سعی کنه انسان باشه! دین و مذهب یاد مهم نیست!  
ما کار نداریم که مسیحی هستی یا یهودی یا مسلمان، اون چیزی که برای ما مهمه انسانیته!  
دین من، انسانیت من است!  
و...

شما هم تابه حال با این حرف ها از طرف اطرافیانتون مواجه شدید؟ بنظرتون چه پاسخی باید داد؟  
اصلا، این مسائل پاسخی دارن؟ یا نه، کسانی که قائل به این حرفا هستند؛ درست میگن؟  
پس با ما در ادامه متن همراه باشید.

اول به مقدمه براتون بگم:  
ابتدا باید معنای کلمه دین داری و انسانیت رو مشخص کنیم؛ و بعد بگیم که آیا این دو معنا با هم در تضاد هستن یا نه.  
(این بدیهیه که تا معنا و مفهوم کلمات، مشخص نشه بحث نتیجه ای نداره)

**انسانیت در کف جامعه بیشتر به این معناست:**  
انجام دادن به سری کارهای اجتماعی مفید و خوب که سبب خدمت موثر به انسان ها میشه؛ طوری که وقتی بقیه از این کارها باخبر میشن فطرتا تحسین میکنن و حتی ممکنه اشک هم بریزن!  
مثل کمک به نیازمندان و ایثار و سرپرستی از ایتام و...

**و اما دینداری:**  
بنظر حقیر دین داری حداقل یک حقیقت دولایه است که لایه اول و ظاهریش یعنی: رعایت ظواهر شریعت. مثل: نماز، روزه، خمس و...  
و لایه دوم و باطنی دینداری یعنی: ارتباط با حقایق زیبای عالم هستی.

لایه اول و دوم دینداری هرگز از هم جدا نیستن و رعایت ظواهر شریعت، تنها مسیر حرکت به سمت باطن آفرینش و قرب به خداست.  
غرض اینکه، در ذات دین حقیقی، حرکت و سیر برای ادراک حقایق عالم نهفته شده؛ نحوه حرکت هم همون رعایت کامل دستورات شریعت، البته به شرطی که در خود دستورات شریعت متوقف نشیم؛  
و از اونا برای رسیدن به محبت خدا و اولیای خدا بهره بگیریم.

حالا بعد مقدمه بریم سراغ اصل بحث:  
درباب انسانیت، دو سوال اساسی وجود داره:  
اول اینکه، دقیقا ملاک انسانیت چیه؟ (یعنی از کجا

از اون طرف هم اگه کسی صرفا بخواد تو لایه ظاهری دین بمونه، نمیشه بهش گفت دیندار و نمیشه افعال و کردار اون شخص رو پای دین نوشت، چون اصلا خروجی دین محسوب نمیشه.  
دیندار واقعی کسیه که دائما در حال حرکت و سیر به سمت خداست و دائما داره نفسانیت خودش رو ضعیف میکنه.

حالا روش حرکت و تضعیف نفس چیه؟  
«مقید بودن به همه دستورات شریعت.»  
یکی از مهم ترین دستورات شریعت هم که تاثیر زیادی در حرکت و سیر انسان داره همین خدمت به خلق و ایثار و ازخودگذشتگیه.

یعنی؛  
اولا دیندار واقعی، کارهای اجتماعی مفید و انسان دوستانه انجام میده ولی هیچ وقت تو این فعالیت هامتوقف نمیشه.  
ثانیا، ثبات شخصیتی داره یعنی حتی در بحران ها و مواقع حساس هم ایثار و ازخودگذشتگی داره. ثالثا، نیت دیندار واقعی له کردن نفس و قرب به خداست؛ در حالی که نیت بقیه تقویت کردن نفس شونه.

دوم اینکه به فرض، ملاک انسانیت مشخص شد؛ حالا از کجا تشخیص بدیم یه فرد یا جامعه این ملاک ها رو داره؟  
صرف اینکه یه فرد چند کار خوب و انسانی انجام داده دلیل بر انسانیتش میشه؟

مثلا عموم کسانی که الان والدین شون رو بردن خونه سالمندان؛ معتقدن انسانیت خیلی خوبه و شاید خیلی کار های انسان دوستانه ای هم انجام داده باشن؛  
اما چرا با اینکه یکی از شئون انسانیت، خدمت و احترام به والدینه باز هم این افراد این کارو نمیکنن؟

یا چرا اوایل قضیه کرونا؛ این کشورهای اروپایی (که خیلی هم انسانیتشون رو تو سر ما میکوبن) برای ماسک و اپنا بهم رحم نمیکردن؟  
مگه ایثار و ازخودگذشتگی جزئی از انسانیت نیست؟  
نکنه ایثار فقط مربوط میشه به زمان خوشی؟

این چند مثال نشون میده متأسفانه عموم کسانی که طرفدار انسانیت هستن این گونه اند:

اولا هیچ ثباتی در قضاوت ها و تصمیم گیری ها ندارن، چون ملاک مشخصی ندارند.  
ثانیا در شرایط بحرانی و مواقع حساس؛ از خودخواه ترین افراد میشن طوری که به هیچکس رحم نمیکنند.  
میدونین چرا؟  
«چون این انسانیت رو محور نفسانیت میچرخه»

اینجا نفس انسان هاست که مشخص میکنه چه کاری خوبه و چه کاری بد.  
یعنی نفس همیشه در صحنه است و دائما نفس تصمیم گیرنده است.  
نفس انسان هم نه ثبات داره و نه ملاک مشخصی برای تصمیم گیری.  
بخاطر همین خیلی تضاد بین رفتارهای این افراد مشاهده میشه و ذات این افراد معمولا در مواقع بحرانی و حساس خوب مشخص میشه، چون در این مواقع، نفس احساس خطر میکنه و فقط به فکر حفظ خودشه.

عباس محمدی



# واکسیناسیون در ایران



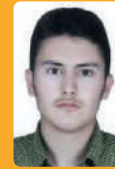
اواخر بهمن سال ۹۸ بود، که زنگ خطر شیوع بیماری کرونا در کشور به صدا درآمد. بیماری که به سرعت کشور ما و کشور های دیگر را درنوردید و جهانی شد و با گذشت نزدیک به ۲۰ ماه چندین میلیون نفر در جهان، و بیش از صد هزار نفر در کشورمان، بر اثر ابتلا به این بیماری جان باختند. از جمله تصمیماتی که در همان ابتدا برای کنترل شیوع بیماری گرفته شد، تعطیلی مراکز آموزشی از جمله دانشگاه ها بود که تا امروز همچنان تعطیلی این مراکز ادامه دارد؛ و فعالیت های آموزشی بصورت مجازی پیگیری می شود. آموزش مجازی را می توان یکی از آسیب های کرونا دانست. این نوع از آموزش، کیفیت بسیار پایینی داشته و عملاً میتوان گفت، آموزش و فرایندهای تربیتی به طور کامل انجام نمی گیرد که اثرات آن از جمله نیروی کار کم کیفیت در آینده نزدیک بیشتر نمایان خواهد شد و گاها مسئولین هم از این بابت اظهار نگرانی می کنند.



اما با همه کم و کاست ها و آسیب های آموزش مجازی، تا واکسیناسیون عمومی و قطع زنجیره شیوع کرونا چاره ای جز ادامه آموزش مجازی کسل کننده وجود ندارد؛ که این خود اهمیت هرچه بیشتر واکسیناسیون عمومی را در درجه اول، برای حفظ جان مردم و رونق اقتصاد و درجه بعد، جلوگیری از آسیب های ناشی از آموزش مجازی می رساند. واکسیناسیون عمومی که این روزها به برکت استقرار دولت جدید و واردات انبوه در کنار تولید داخلی که خود تسهیل کننده واردات واکسن شد، سرعت بیشتری یافته است و امیدها به قطع زنجیره شیوع کرونا بیشتر شده است.

امید است که این واکسیناسیون هر چه زودتر تکمیل شود تا دیگر شاهد جان باختن هموطنان عزیزمان نباشیم و شرایط اقتصادی کشور بهبود یافته، و بار دیگر شاهد بازگشایی دانشگاه ها و حضوری شدن کلاس های درس باشیم و به قولی شر آموزش مجازی از سر آموزش عالی و آموزش و پرورش کم شود!





کمل سعیدی

## انقلابی بودن و عقلانیت داشتن

۱ استفاده از جوانان در امور

۲ در عمل، اقتدار داشتن

۳ احیاسازی اعتماد مردم نسبت به خود

۴ صادق الوعد بودن مسئولین

۵ مبارزه با فساد و بسترهای فسادزا

۶ دیپلماسی اقتصادی

۷ حل مشکلات اقتصادی بدون توجه به تحریم ها

۸ مردمی بودن

۹ عدالت ورزی در همه امور

۱۰ بازسازی ساختار فرهنگی کشور

۱۱ رسیدگی فوری به مسئله کرونا و سلامت مردم

۱۲ استفاده از نخبگان بدون توجه به وابستگی های جناحی

# امر ولی

انتظارات رهبری از دولت سیزدهم

## جهادیان

گروه جهادی شهید علی نیا

«یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد، لزوما جهاد نظامی نیست. جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام به تدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می شود.»

رهبر فرزانه ی انقلاب، حضرت امام خامنه ای (دام ظلّه) ۱۰/۷/۸۷

در آموزه های دینی ما، جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس؛ که آن هدف والا، راه خداست. زیرا خداوند در قرآن میفرماید: «جاهدوا فی سبیل الله». جهاد باید در راه خدا باشد. پس جهد و کوششی را جهاد می گویند که برای یک هدف والا و مقدس باشد.

جهاد، ابعاد گوناگونی دارد. مانند نظامی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی(جهاد با نفس)، فکری، فرهنگی، هنری، علمی، اجتماعی، خانوادگی و... همه ی این ابعاد، در مقابل انسان وجود دارد. انسان در هر زمان، باید اولویت بندی کند، وظیفه و رسالت خودش را تشخیص دهد، دست به انتخاب بزند و یک یا چند جهاد را برای خودش برگزیند. گروه جهادی شهید حسن علی نیا بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، از بین ابعاد مختلف جهاد، وظیفه و رسالت خود را در جهاد تربیتی می بیند (اعم از تربیت دانش آموزان و دانشجو معلمان). زیرا پایه و ریشه ی همه چیز، تربیت است و وظیفه ی اصلی معلم نیز تربیت است. پس تربیت، مهم ترین عامل برای پیشرفت و سعادت و رسیدن به حیات طیبه است. حضرت امیرالمؤمنین امام علی (ع) می فرمایند: «به خدا سوگند، کار دنیا و دین، جز با جهاد اصلاح نمی شود.»

خوبان عالم، از انبیاء و صلحا گرفته تا علما و شهداء، در حال جهاد دائمی بودند. ولی نعمت ما ایرانیان، بلکه جهانیان، حضرت علی ابن موسی الرضا (سلام الله علیه) اهل جهاد همیشگی بودند. حضرت امام خامنه ای (دام ظلّه)، پیام زندگی امام رضا (ع) را،

«مبارزه ی دائمی خستگی ناپذیر» بیان فرمودند.

جهاد همواره در مقابل دشمن است و هرچه این دشمن قوی تر، جهاد سخت تر؛ و از همین روست که جهاد با نفس را جهاد اکبر می نامند. دشمن از هر کجا قوی تر حمله کرد، جهاد از همان قسمت اولویت بیشتری پیدا می کند. در زمانه ای قرار داریم که تمرکز دشمن، بیشتر روی تهاجم فرهنگی است. پس باید در جهت ترویج فرهنگ و هویت اسلامی\_ ایرانی گام برداریم و بر اساس آن، خود و جامعه را اصلاح و تربیت کنیم.

کار بدون تلاش و سختی، جهاد نیست؛ جهاد حتما سختی دارد. دلالت التزامی جهاد، تحمل سختی است. به تعبیر امام خامنه ای(دام ظلّه): «در جاده ی آسفالتنه انسان پایش را روی گاز بگذارد و با پاک پر از بنزین حرکت کند، آن را مبارزه نمی گویند! مبارزه آن جایی است که انسان با مانعی برخورد کند که این مانع در جبهه های انسانی می شود دشمن، و در جبهه های طبیعی می شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن ها را از میان بردارد، این می شود مبارزه».

در قرآن کریم، حدود ۲۰ مرتبه امر به جهاد آمده است و این در حالی است که امر به نماز، کمتر از ۱۵ مرتبه تکرار شده است. در اینجا به دو آیه در مورد جهاد اشاره میکنیم:

آیه ۱۴ آل عمران: آیا چنین می پنداشتید که [تنها با ادعای ایمان] وارد بهشت خواهید شد، در حالی که خداوند هنوز مجاهدان شما و صابران را مشخص نساخته است!؟

آیه ی پایانی سوره ی عنکبوت: کسانی که در راه خدا جهاد می کنند، قطعاً راه های گشایش را در مقابل آن ها خواهیم گذاشت.

## گزارش گوشه ای از فعالیت های نیمه ی اول سال ۱۴۰۰



۳. طرح جهاد تربیتی:

این طرح با هدف تربیت دانش آموزان بازمانده از تحصیل، در ایام تابستان، در شهرستان های جاجرم، اسفراین، مانه و سملقان و بجنورد برگزار گردید. در این طرح، حدود ۴۵ دانشجو معلم، در ۲۰ مدرسه، شروع به فعالیت کردند.



۴. طرح مهر احسان:

این طرح، جهت تهیه ی لوازم تحریر برای دانش آموزان نیازمند استان، برگزار شد. در این طرح، تقریباً ۲۳۰ بسته ی لوازم تحریر، در شهرستان های بجنورد، شیروان، اسفراین، مانه و سملقان، گرمه و جاجرم توزیع شد.

۱. اردوی جهادی غلامان:

این اردو، در عید نوروز سال ۱۴۰۰، به مدت یک هفته، در منطقه غلامان برگزار گردید.

تقریباً ۲۲ دانشجو معلم و ۳ استاد، در این اردو حضور پیدا کردند. از جمله برنامه های این اردو: برگزاری برنامه های آموزشی، فرهنگی، ورزشی و مذهبی برای دانش آموزان ۴ روستا (روستا های داشلی قلعه، آدینه قلی، سوخسو انقلاب و تازه قلعه) \_ توزیع بسته های فرهنگی بین دانش آموزان این ۴ روستا \_ برگزاری کارگاه توانمند سازی برای دانشجو معلمان \_ تشکیل گعده های دوستانه با موضوع آموزش و پرورش و معلمی و تربیت بین دانشجو معلمان \_ برگزاری برنامه های تفریحی، ورزشی، مذهبی، اکران فیلم و مستند برای دانشجو معلمان.



۲. پویش اطعام حسنی:

در این پویش، حدود ۳۰ دانشجو معلم و اکثر مسئولان دانشگاه فرهنگیان بجنورد، حضور پیدا کردند. این پویش به مناسبت ولادت امام حسن مجتبی (سلام الله علیه)، به مدت ۳ روز از ماه مبارک رمضان (۱۳، ۱۴ و ۱۵ رمضان) برگزار شد. جمعا ۴۲ دیگ (۴۵۰ پرس) غذای گرم برای وعده ی افطار نیازمندان شهر بجنورد، در محیط دانشگاه فرهنگیان بجنورد، پخت شد.





# دمی با شهریار

شمعمر گریست زار به بالین که شهریار  
من نیز چون تو همدم سوز نهانیم

سید محمد حسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار، یکی از مشاهیر نامی شعر و ادبیات فارسی است که اشعار زیبایی را به زبان فارسی سروده است؛ و یکی از زیباترین و معروف ترین اشعار شهریار که به گوش همه ی ما فارسی زبانان آشناست، شعریست در وصف امیر المومنین حضرت علی(ع) به نام علی ای همای رحمت که یکی از ابیات معروفش این بیت است: «برو ای گدای مسکین در خانه ی علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را» که این شعر نشانه ی عشق و ارادت شهریار به امیر المومنین و اهل بیت است.

سبک شعری شهریار غزل است؛ اما نه هر غزلی، غزل شهریار غزلی است که خواننده را درگیر عواطف و حس شاعرانه می کند، یعنی ایجاد ارتباط عاطفی با خواننده شعر؛ و به صورت کلی سادگی و نازکی خیال از مهم ترین ویژگی های شعر شهریار است. از زیباترین اشعار شهریار می توان به افسانه شب و دو مرغ بهشتی اشاره کرد که ابیاتی از این دو شعر زیبا را تقدیم نگاهتان می کنم.

شعر افسانه شب:

دریای فلک دیدم و بس گوهر انجم  
یاد از توام ای گوهر نایاب برآمد

چون غنچه دل تنگ من آغشته به خون شد  
تا یادم از آن نوگل سیراب برآمد

شعر دومرغ بهشتی:

چو دو مرغ دلاویزی به تنگ هم شدیم افسوس  
همای من پریدی و مرا بی بال و پر کردی

مگر از گوشه چشمی و گر طرحی دگر ریزی  
که از آن یک نظر بنیاد من زیر و زبر کردی.

در این نوشته به معرفی شهریار پرداختم و حس کردم جای منظومه حیدر بابا خالیست.

حیدر بابا منظومه ای به زبان ترکی است؛ و نام این منظومه برگرفته از نام کوهی در زادگاه شهریار است، شهریار در این منظومه زیبا تصویری از زندگی روستایی و ارتباط با طبیعت را به تصویر می کشد. نیمی از این مجموعه یادواره است و شاعر در آن از آشنایان، خویشاوندان، مردم و حتی چشمه ها و صخره های زادگاه خود نام برده است؛ این منظومه زیبا تاکنون به زبان های مختلفی ترجمه شده است که بخش کوچکی از این منظومه را با ترجمه فارسی تقدیم نگاهتان می کنم:

حیدر بابا ، ز راه تو کج گشت راه من  
حیدر بابا ، یولوم سنن کج اولدی

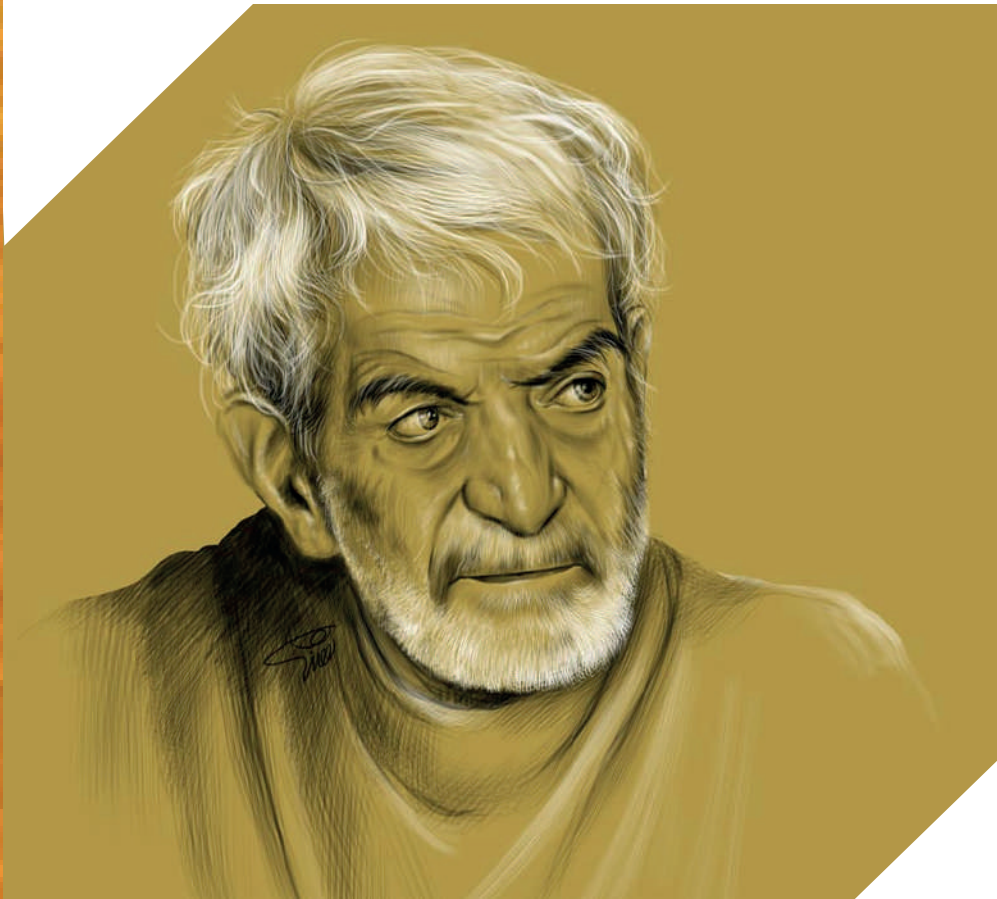
عمرم گذشت و ماند به سویت نگاه من  
عؤمرؤم کئچدی ، گلممه دیم ، گئج اولدی

دیگر خبر نشد که چه شد زادگاه من  
هئج بیلمه دیم گوژللرون نئج اولدی

هیچم نظر بر این ره پر پرپیچ و خم نبود  
بیلمزیدیم دؤنگه لر وار ، دؤنؤم وار

هیچم خبر زمهرگ و ز هجران و غم نبود  
ایتگین لیک وار ، آیریلیق وار ، اولؤم وار

شهریار، در ۱۱ دی ماه ۱۲۸، دیده به جهان گشود و ۲۷ شهریور ماه سال ۱۳۶۷، دار فانی را وداع گفت و به محفل بزرگان ادب، در سرای احدیت پیوست.



## پایان بر تعلیم و تربیت ملی بخش اول

از استادم، جناب دکتر قربانی، جویای مطالعه ای در بستر گلوبالیزم شدم؛ ایشان چندین مقاله به بنده معرفی کردند که به اختصار به تحلیلی کلی از این مقالات خواهیم پرداخت. البته، ممکن است متن حاضر در چندین بخش منتشر شود که نیازمند است پیگیرانه مورد مطالعه قرار گیرد.

ماجر را از آنجا شروع می کنیم که بر طبق گزارش شماره ۳۰ مرکز ملی فضای مجازی، اعلامیه قابل توجهی توسط سازمان بین المللی یونسکو منتشر شده است. به این اعلامیه بسیار مهم می پردازیم و در مقالات بعدی تحلیل های بیشتری از آن را خواهیم داشت.

ائتلاف جهانی آموزشی در یونسکو

در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۲۰ و در ابتدای شیوع جهانی ویروس کرونا، سازمان یونسکو در سایت خود از ائتلافی جهانی با هدف عدم توقف آموزش در سراسر جهان خبر داد. در دوره ای که ۸۷٪ جمعیت محصلان جهان، تحت تأثیر تعطیلی مدارس در دوره کرونا قرار گرفته اند، یونسکو

در حوزه آموزش، ائتلافی جهانی تشکیل داده تا از کشورها برای گسترش برترین فعالیتهای آموزش از راه دورشان، پشتیبانی نماید. با توجه به سخنان آدره آزوله، دبیرکل یونسکو، میتوان سه ایده اساسی این ائتلاف را: مشارکت همه جانبه، دربرگیرندگی (خدمات رسانی به همه یادگیرندگان و معلمان) و در نهایت، عدالت آموزشی (رعایت کیفیت آموزشی برای همه یادگیرندگان) در نظر گرفت. هر چند این ائتلاف در دوره بحرانی شیوع کرونا و با شعار «عدم توقف آموزش» به راه افتاده است، نحوه قرارگیری شرکا در کنار یکدیگر و ربط و پیوند این ائتلاف با طرحهای پیشین یونسکو و سایر سازمانهای جهانی، همچون برنامه جهانی آموزش ۲۰۳۰، خبر از تحولاتی بلند مدت و دورخیزی برای تحولی عظیم در حوزه آموزش و شکل دهی به جامعه جهانی آینده دارد.

امینه محمد، دانشجوی دبیرکل سازمان ملل، در بیانیه خود پیرامون ائتلاف میگوید: «اکنون زمان تعمیق نابرابری ها نیست، بلکه زمانی است، جهت سرمایه گذاری برای تحول در قدرت آموزش و پرورش.

از آن رو که به دهه اجرایی شدن دستور توسعه پایدار ۲۰۳۰ وارد شده ایم، مسئولیت ما به عنوان جامعه جهانی، طرد کامل عقب افتادگی و ترک تحصیل است.»

بنابراین گفته، اساس ائتلاف بر سرمایه گذاری جهانی برای شکل دهی به آینده ای متفاوت در حوزه آموزش است.

همانگونه که میدانیم، در میان ۱۷ هدف اساسی سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ برای خلق جهان و جامعه ای متفاوت، انتخاب هدف چهارم (تحقق آموزش مبتنی بر اهداف توسعه تا سال ۲۰۳۰ در سراسر جهان)، به سبب نقش پیشران آموزش در شکل دهی به جامعه مدرن، محور اصلی اقدام است. شکل گیری آموزش رسمی و عمومی اجباری در جوامع مدرن، اساسا بگونه ای شکل یافته، که تا حد ممکن هیچ عنصری از عناصر آتی اجتماعی (یعنی تمام افراد جامعه)، از طرح و نقشه ترسیم شده برای جامعه مفروض، خارج نباشد؛ و بر همین اساس پرورش یابند. در مدل جوامع ملی یا دولت\_ملت ها، این تصویر، از یک سو براساس نظم مدرن و از سوی دیگر بر اساس خصلت های ملی ترسیم میشد؛ اما با گذر از جهان دولت\_ملت ها به حاکمیت نوین جهانی، رسالت مدرسه و نظام آموزشی، دیگر پرورش «شهروند ملی» نیست، بلکه هدف تربیت «شهروند جهانی» با مختصات از پیش تعیین شده است.

لازمه این امر، نفی قدرت و حاکمیت دولت ملی، یا بکارگیری این قدرت ها در گذر از خودشان و شکل دهی حاکمیت و جامعه جهانی است. در ایران با وجود مطرح شدن مسئله حیاتی توجه به سند ۲۰۳۰ و اسناد و طرح و برنامه های جهانی مشابه و همراستا با آن، متأسفانه ضرورت مسئله آنگونه که باید تبیین نشد. از طرف دیگر مطرح شدن مباحثی جزئی و صرفاً محتوایی و تبدیل آن به اصل و اساس سند، مسئله اصلی «طرح و برنامه منظم پیشروی به سوی جامعه ای از پیش تعریف شده در تمام سطوح و نفی حاکمیت های ملی» نادیده گرفته شد. نکته اساسی در سند و برنامه اقدام ۲۰۳۰ پنهان بودن شرکا، برنامه و اهداف اصلی بود که در غالب ساختارها و سازوکارها به فعالیت میپردازند؛ و این مسئله ای جدای از محتوای سند است. هدف هفدهم سند ۲۰۳۰ که به نحوه شکل گیری همکاری ها و ائتلاف های جهانی برای تحقق تمام اهداف این سند اشاره دارد، محمل اصلی ظهور برنامه های جدید ذیل ۲۰۳۰ از جمله ائتلاف جهانی آموزش است.

ادامه دارد...





الیاس رسولخانی

## شبیه خوانی (تعزیه داری) مهدی عوض نیا



در گذشته، طی دو ماه محرم و صفر، شصت مجلس تعزیه اجرا می شد، ولی در سالهای اخیر صرفاً در ده روز اول محرم تعزیه می خوانند؛ و در دیگر مواقع سال به طور متفرقه چند مجلس تعزیه برگزار میشود.

مرحوم میرزا اسماعیل هنر جندقی، در عصر قاجاریه اشعار تعزیه حضرت ابوالفضل (ع) و شبیه فرنگی را سرود، و در تنظیم دیگر مجالس تعزیه کوشید. مراسم تعزیه خوانی بانی دارد و بانیان تعزیه هم، مخارج تعزیه خوانان را می پردازند؛ و هم، از آنان پذیرایی می کنند. از شب هفتم تا دهم محرم در خور و توابع آن تعزیه های حضرت مسلم بن عقیل، حضرت علی اکبر و حضرت عباس برگزار می شود. در روز عاشورا تعزیه امام حسین (ع) را میخوانند؛ تعزیه طفلان زینب (س)، عابس و حبیب بن مظاهر در خلال این تعزیه انجام میگردد. عده ای از نیکوکاران محلی با وقف آب و املاک خود در زمان حیات و پس از مرگ، مجالس شبیه خوانی را تداوم بخشیده اند.

اثر چندین عامل موسیقایی را می توان در موسیقی تعزیه یافت که مهم ترین آنها، تقسیمات موسیقی ایرانی است که اجزای اصلی آوازهای تعزیه را شکل می دهد. در اکثر شهرها برای شبیه سازی، ردیف خاصی را سرمشق قرار می دهند.

مثل شبیه سازی حضرت عباس، چهارگاه، و حر، عراق .

آوازهای دشتی و شوشتری، بیشترین کاربرد را در آوازهای مذهبی و تعزیه دارند. در بین آنها موسیقی ای که در مناطق مختلف ایران اجرا می شود، نقش مهمی در تعزیه دارد. در کنار تعزیه هایی که در مناطق مرکزی و قسمتی از

پایتخت اجرا می شود، تعزیه در فارس، گیلان، مازندران، آذربایجان، لرستان، کرمانشاه و بوشهر به وسیله آوازهای محلی در کنار تقسیمات موسیقایی ایرانی همراهی می شود. هر کسی می تواند به راحتی حضور موسیقی سنتی ایرانی را در اکثر تعزیه ها در شکل آواز یا موسیقی دستگاهی تعزیه که به وسیله آلات موسیقی چون بوق و نی و کرنا و ... اجرا می شود، تشخیص دهد.

تقریباً برای همه ما نام تعزیه و دهه اول محرم، با هم گره خورده است؛ یکی علت است و دیگری معلول، هرچور حساب کنیم باید با هم بیایند و غیر از این انتظار نداریم. تعزیه در لغت به معنای سوگواری و عزاداری است و در تعریف عام تر به تئاترهای مذهبی که درباره واقع کر بلا هستند؛ گفته می شود. نام اصلی تعزیه، شبیه خوانی یا شبیه گردانی است، یعنی اینکه افراد اجرا کننده، شبیه و بازی کننده نقش شخصیت های اصلی هستند. نکته ای که در این میان باید به آن اشاره کرد این است که تعزیه لزوماً درباره امام حسین (ع) و واقعه کر بلا نیست، نمایشنامه های تعزیه درباره موضوعات دینی و حماسی است، مثل تعزیه حضرت ابراهیم، تعزیه امامان مختلف و حتی تعزیه خنده دار هم داریم.

تعزیه که مجموعه ای از رنگ، شعر و موسیقی است؛ بیشتر برای مرگ اولیا و عزیزان از دست رفته اجرا می شود. نمایشی مذهبی که خیر و شر

در آن مبارزه می کنند.

تعزیه، تئاتر مذهبی است که نمایشنامه آن به صورت شعر است و همراه با موسیقی اجرا می شود؛ بنابراین با تئاتری مذهبی متداول فرق دارد. البته قواعد تئاتر در آن رعایت می شود؛ کارگردان، بازیگر و نمایشنامه دارد و روی صحنه هم اجرا می شود، البته لباس، تجهیزات و گریم هم دارد.

به هر اجرای تعزیه، مجلس می گویند؛ بازیگران آن را شبیه خوان می نامند، کارگردان تعزیه، معین البکا و نویسنده آن مقتل نویس است. همچنین به نمایشنامه تعزیه، جُنگ می گویند. تهیه کننده تعزیه، بانی و مابقی عوامل را هم عمده تعزیه می نامند.

به هر اجرای کامل یک مجموعه تعزیه می گویند. اگر در تعزیه، نقش مثبت با شمشیر شهید شود به آن مجلس شهادت می گویند که در روز خوانده می شود، مثل مجلس شهادت امام حسین (ع)؛ اما اگر نقش مثبت بازهر شهید شود به آن «مجلس وفات» می گویند که در شب خوانده می شود، مثل مجلس وفات امام موسی کاظم (ع).



شاید بارها دوستان اهل مطالعه خود را به سخره گرفته باشید؛ و این سوال ها ذهنتان را مشغول کند، که انسان ها با خواندن چند ورق کاغذ، به کجا میرسند؟ و چرا وقت خود را با خواندن این کتاب ها تباه میکنند؟ من به شما قول میدهم، تا وقتی که یک کتاب خوب را ورق نزنید، و با آن ارتباط برقرار نکنید، باز هم این سوال برای شما سوال باقی خواهد ماند؛ و همچنان در تاریکی خواهید بود.

فردی را تصور کنید، که تاکنون آناناس نخورده باشد؛ چنین فردی هیچ وقت هوس آناناس نخواهد کرد، مگر این که برای اولین بار خوردن آن را تجربه کند.

کتاب نیز چنین است، کسی که کتاب نخوانده باشد هرگز، حال دل اهل کتاب را نخواهد فهمید.

«شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها»

سعدی

قطعاً همان طور که هر باغی بهشت نیست و هر مسیری به مقصد نمی رسد؛ هر کتابی هم انسان را دانشمند نخواهد کرد. کتابی که دغدغه دارد، دردی از اجتماع را بیان می کند؛ و به ما نکاتی می آموزد، ارزش خواندن و وقت گذاشتن را دارد.

روزانه تعداد زیادی کتاب، به چاپ می رسد؛ اما آن چه که یک کتاب را متمایز میکند، خاص بودن و غیر قابل پیش بینی بودن آن است.

«پرچهر، اثر مرتضی مودب پور»

هومن و فرهاد، دوستان صمیمی که پس از پایان دوره ی تحصیلیشان در خارج به ایران باز میگردند، شخصیت های اصلی داستان را تشکیل می دهند.

داستان، به صورت اول شخص و از زبان فرهاد بیان می شود که فردی منطقی و آرام است؛ عکس او هومن، شخصیتی پر سرو صدا دارد، صدایی که از جنس خوشی و خنده است؛ هرجای داستان که هومن حضور دارد، خنده بر لب مخاطب نقش می بندد.

مادر فرهاد به بهانه ی فارغ التحصیلی فرهاد و در واقع برای اینکه فرهاد همسری برای خود انتخاب کند، میهمانی بزرگی با حضور دوستان و آشنایان، ترتیب میدهد؛ اما فرهاد نیمه ی گمشده اش را نه در میهمانی که در دفتر کارش می یابد.

فرگل، که دختر یکی از دوستان پدر فرهاد است، به دعوت پدر فرهاد به عنوان منشی، در دفتر کار او مشغول به کار می شود؛ و فرهاد را یک دل نه، صد دل عاشق خود میکند.

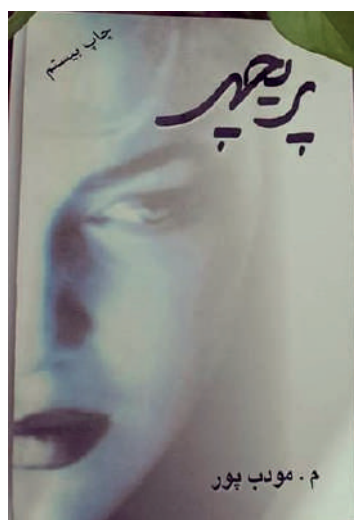
فرگل و لیلا که هومن را مجذوب خود کرده، نماد حجب و حیا هستند؛ و یک دختر اصیل ایرانی و مسلمان را به تصویر می کشند

روزی از روزها که فرهاد و هومن به بیرون از شهر رفته بودند، پیرزنی را می بینند که بساط لیف فروشی دارد، فرهاد دلش میسوزد؛ و میخواهد به آن پیرزن کمک مالی کند که پرچهر خانم، قبول نمی کند. رفتار و خویشتن داری پرچهر خانم، فرهاد را وادار میکند تا از پرچهر خانم، قصه ی زندگی اش را جویا شود. پرچهر خانم، که فرهاد او را مادر بزرگ خطاب میکند، در روزهای تعطیل کاری که شرکت هایشان تعطیل است؛ و در نزدیکی حرم شاه عبد العظیم، سرگذشت خود را برای فرهاد و هومن تعریف میکند

سرگذشت تلخی که سرشار از تبعیض است و ظلم برخی مردان به زنان را به تصویر کشیده و بازگو میکند. زنانی که تنها جرمشان زن بودن است؛ و روزی صد بار، آرزوی مرگ خود را میکنند...

خواندن یک کتاب خوب، فهم انسان را کیلومتر ها جابه جا میکند؛ و انسان های آگاه کتاب های بیشتری می خوانند. اگر یک جامعه مطالعه ی بیشتری داشته باشد، آن جامعه از ظلم تبعیض و خرافات در امان خواهد ماند.

امیدوارم خواندن کتاب بی نظیر پرچهر، شما را به سمت و سوی بیشتر کتاب خواندن سوق دهد.







حمید رضا خلیلی

## صاحب زمان

جان میدهم در راه تو، ای جانِ جان، صاحب زمان  
با علم کم در راه حق، گویم بخوان، صاحب زمان

عمرت در این وادی گذشت، عمری دگر خواهد گذشت  
من یک کلام گویم تورا، روح و روان، صاحب زمان

من با جوانان گشته ام، اهل شراب و مستی ام  
این را به چشم دیده ام، عشق جوان، صاحب زمان

من کاروان ها دیده ام، بس خون دل ها خورده ام  
شاید که باشد این زمان، با کاروان، صاحب زمان

این کاروان رهنما، دارد خودش یک ساریان  
ای کاش که میشد این زمان، این ساریان، صاحب زمان

هر دم ز لب جاری کنم، از اهل بیت یادی کنم  
شاید که ببند چشم من، در هر زمان صاحب زمان

خواهم ز الله من کمک، تا باشم اندر راه حق  
آخر ببیند چشم من در آسمان، صاحب زمان

# یا حبیب الزمان



علی یوسفی

## بررسی مهم ترین نقل و انتقالات تابستانی فوتبال اروپا

تابستان ۲۰۲۱ یکی از پر سر و صدا ترین فصول نقل و انتقالاتی بود، چرا که دو فوق ستاره حال حاضر جهان که به پایان دوران فوتبال خود نزدیک شده اند؛ به تیم های جدیدی پیوستند. مسی بعد از شانزده سال به پاری سن ژرمن پیوست و رونالدو بعد از دوازده سال به منچستر یونایتد. در لیگ های معتبر اروپایی مثل لیگ ایتالیا، اینتر یکی از پر سودترین فصلهای خود را پشت سر گذاشت، چرا که چالهان اوغلو و ادین ژکورا به صورت رایگان جذب کرد و از فروش حکیمی و لوکاکو هم ۱۷۵ میلیون یورو پول به جیب زد. در بوندس لیگای آلمان نیز بایرن مونیخ چراغ خاموش دو خرید خوب داشت و با ۱۵ میلیون یورو، مارسل سابیتزر و با ۴۰ میلیون یورو، اوپامکانورا از لایپزیک جذب کرد. در لیگ انگلیس نیز، جک گریلیش با ۱۱۸، لوکاکو با ۱۱۵، سانچو با ۸۵ و بن وایت با ۶۹ میلیون یورو به ترتیب مهم ترین خریدها بودند. در لوشامپیونه فرانسه هم که طبق معمول با خریدهای پاری سن ژرمن خبرساز شد، این تیم سرژیو راموس، دوناروما، واینالدوم، مسی و حکیمی را خریداری کرد. و در آخر لالیگا اسپانیا که مشکلات مالی نگذاشت تیم ها، خریدهای معروفی داشته باشند ولی دپای، آگوئرو و گارسیا به طور رایگان به بارسلونا رفتند؛ اتلتیکو هم دی پائول و کونها را خرید. رئال مادرید هم کاموینگا و آلبارا به ترکیب خود اضافه کرد. البته باید به انتقال علیرضا جهانبخش به فاینورد و امیرعابدزاده به پونفرادینا هم اشاره کنم. امیدوارم که این فصل شاهد فوتبالی جذاب و دیدنی باشیم.





جهت دریافت فایل صوتی مربوط به هر بخش، روی رمزینه پاسخ سریع کلیک کرده یا آن را اسکن کنید.

# گوش کنید!



قهرمان کربلا محمدریحانی



اربیین حسین فخرائی



بررسی کابینه دولت سیزدهم  
محمد مهدی کوه نشین



شعر بنفش دشمن شاد کن  
الیاس رسولخانی



رویش امید الیاس رسولخانی  
نابغه دفاع حسین فخرائی



دمی باشهریار



واکسیناسیون  
سینا سیف الله زاده



سید محراب شاهدهی



معرفی کتاب  
الیاس رسولخانی



بررسی نقل و انتقالات فوتبال اروپا  
الیاس رسولخانی



شعر صاحب زمان مجید رحمانی

گهنامه سیاسی، مذهبی،  
اجتماعی و دانشجویی صریر  
به مناسبت اربعین حسینی

صریر  
نشریه  
SARIR

## دعوت به همکاری و درگاه ارتباطی

نشریه دانشجویی صریر، از همه علاقه‌مندان به فعالیت در زمینه  
های نویسندگی، گویندگی، ویراستاری و طراحی، دعوت به عمل  
می آورد.

عزیزان برای بیان انتقادات و پیشنهادات سازنده و مفید خود و  
همچنین برای فعالیت در نشریه می‌توانند به آیدی اینستاگرامی زیر  
مراجعه کنند:

mahdi\_kuhneshin



«شما معلمان و مربیان و نسل جوان هستید که فردا را میسازید و  
استکبار جهانی را مأیوس میکنید و نقطه‌ی امید را در دل  
مستضعفان عالم زنده نگه می دارید...  
... شما معلمان هستید که فردا را میسازید.  
معلم با آموختن به یک انسان، کلید بهره‌برداری از گنجینه‌ی تمام  
نشدنی را به او میدهد.  
... نقش معلم و مربی در جامعه‌ی ما، نقش تراز اول است.»  
مقام معظم رهبری

ساری  
نشریه  
S A R I R

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان  
پردیس امام محمد باقر علیه السلام